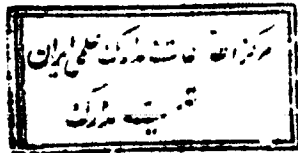


بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۲۷۷.۹

۱۲۷۹ / ۱ / ۲۲



دانشگاه تهران

دانشکده حقوق و علوم سیاسی

رساله دوره دکتری علوم سیاسی

تشیع: ایدئولوژی مسلط بسیج مردمی در انقلاب اسلامی ایران

5299

استاد راهنما
دکتر محمد هادی سمتی

اساتید مشاور

دکتر ناصر هادیان

دکتر حمید احمدی

نگارش

حمیدرضا اخوان مفرد

۱۳۷۸

۲۷۷۰۹

دو نصیحت کثمت بشنو و صد گنج ببر
 از در عیش درآ و به ره عیب مپوی
 شکر آن را که دگر باز رسیدی به بهار
 بیخ نیکی بنشان و ره تمقیق بپوی

"حافظ، غزل ۴۷۷"

"سپاسگزاری"

قبل از هر چیز خداوند سبحان را به خاطر همه نعمتهای بیشمارش شکر می‌گوییم و با توجه به نیکوگفته "من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق" جای آن دارد از اشخاصی که در نگارش و تهیه این رساله سهم و نقشی داشته‌اند یاد و سپاسگزاری کنم. در صدر فهرست، اساتید راهنما و مشاوران برجسته‌ای قرار دارند که در طول دوران دانشجویی و نیز دوران نگارش و تحریر به من کمک کردند و چارچوب فکری این اثر را شکل دادند. قطعاً با تشویق و راهنماییهای خردمندانه اساتید محترم، آقایان؛ دکترهادی سمتی، دکترحمید احمدی و دکتر ناصر هادیان این نوشتار به پایان رسید، بنابراین از آنها و نیز اساتید محترم هیأت داوران که زحمت مطالعه و نقد این اثر را متقبل شدند، کمال تشکر و قدردانی را دارم. همچنین یاد تمامی اساتیدی که در طول تحصیل اندوخته‌های علمی با ارزش خود را به من منتقل و مرا با گرایشهای مختلف علم سیاست و بطور خاص مباحث جامعه شناسی سیاسی از جمله نظریه‌های انقلاب و موضوع انقلاب اسلامی ایران آشنا کردند، گرامی می‌دارم و بیش از همه آنان ممنون جناب آقای دکترحسین بشیریه می‌باشم.

نظربه اینکه از دیدگاه و نوشته‌های برخی از دوستان و همفکران استفاده کردم و لطف‌های سخاوتمندانه آنان باعث کاهش خطاهایم در روش و محتوا گردید و آگاهیهای کنجکاوانه‌ام را افزون نمود لذا از آنها تشکر می‌کنم و لازم می‌دانم بخصوص از عنایت سرکار خانم دکتر حمیرا مشیرزاده سپاسگزاری نمایم.

ب

از دیدگاه، مشاوره و نیز مباحثه با برخی از دوستان دوران تحصیل، درنگارش رساله‌ام بهره گرفته‌ام. در این زمینه بیش از همه آقایان دکتر سعید حجاریان و دکتر عباس کشاورز شکری مرا یاری کردند.

از مسئولین کتابخانه دانشکده حقوق و علوم سیاسی که فرصت استفاده از منابع را فراهم و بدین وسیله از این پژوهش پشتیبانی کردند نیز سپاسگزارم.

همچنین از تمامی اساتیدی که کارشان زینت بخش زیرنویسهای این رساله شده است تشکر می‌کنم و آرزو دارم روزی به عنوان عضو کوچکی از جامعه علمی آنان پذیرفته شوم. لازم است از سرکارخانم فریبا محب‌علی که بدون هیچ چشمداشتی زحمت تایپ این رساله را متقبل شده‌اند نیز تشکر نمایم و بالاخره به گونه‌ای متفاوت مرهون صبر، بردباری و حمایت معنوی خانواده‌ام خاصه مادرم، همسرم و پدر مرحومم می‌باشم که مرا در این مسیر یاری دادند.

در پایان متذکر می‌شوم نکات مثبت احتمالی این رساله درگرو راهنمایی و مساعدت افرادی است که از آنها نام بردم و قطعاً مسئولیت کاستی‌ها، نواقص، اشکالات و ضعفها بعهده این جانب است و امیدوارم این نوشته ارزش نقادی داشته کسانی که آن را مطالعه می‌کنند با نقد آن و ذکر کاستی‌هایش مرا در اصلاح و تکمیل این اثر مدد رسانند.

حمیدرضا اخوان مفرد

پکیده

انقلاب اجتماعی غیر منتظره‌ای که در اواخر سده بیستم در ایران رخ داد، پژوهشگران را با پرسشهای متعددی روبرو ساخت که پاسخ بدانها به مدد نظریات موجود، به کارگیری روشهای علمی و طرح نظریه‌های جدید، حجم وسیعی از آثار را پدید آورد که عمدتاً در پی تبیین انقلابند و تنها در معدودی از آنها این سؤال که چرا انقلاب ایران رنگ اسلامی به خود گرفت به اجمال بررسی شده است.

با بسط سؤال مزبور به اینکه چرا تشیع به مثابه یک مذهب در وجه مکتبی یا ایدئولوژیک ظاهر شد و در روند بسیج مردمی منجر به انقلاب با اقبال عمومی روبرو گردید و در اصطلاح فنی "هژمونی" یا تفوق یافت، مسأله اصلی این رساله مشخص گردید و کوشش شد تا با بهره‌گیری از دو متغیر مستقل یعنی پتانسیل درونی تشیع مکتبی و عوامل بیرونی شامل شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، پاسخ داده شود.

با استناد به بررسی انجام گرفته عقیده بر این است که تحولات و پتانسیل درونی اسلام شیعی و شرایط عینی، آن را در قالب یک مکتب یا ایدئولوژی ارائه نمود و مقبولیت، مشروعیت و در دسترس بودنش و اینکه اقبال بدان نیاز به پذیرش آیینی نو نداشت در پذیرش عمومی آن تأثیر گذاشت. همچنین شرایط عینی مزبور، رژیم شاه را بسیار آسیب‌پذیر نموده آن را درگیر یک بحران انقلابی کرد و در حالیکه سایر ایدئولوژیهای رقیب هریک به دلایلی افول کرده بودند، تشیع مکتبی توانست با انجام مطلوب کارکردهای ایدئولوژی در روند بسیج سیاسی منجر به انقلاب، تفوق یابد و مهر خود را بر پیشانی انقلاب حک کرده به آن جلوه اسلامی بدهد.

فهرست موضوعات

الف	سپاسگزاری
پ	چکیده
۱	مقدمه
۱	۱- طرح مسأله
۵	۲- فرضیه و متغیرها
۷	۳- راه و روش آزمون فرضیه، اهمیت آن و حدود و نقطه تمرکز
۷	۴- سازماندهی پژوهش
۹	فصل اول: روایت انقلاب ایران از آغاز تا پیروزی
۱۰	۱- نیاز به اصلاحات، سیاست فضای باز سیاسی
۱۳	۲- طوفان انقلاب
۱۳	الف) اولین جرقه انقلاب
۱۶	ب) گسترش انقلاب در میان توده‌ها
۱۹	پ) برگشت ناپذیری
۲۴	ت) عقب‌نشینی و سقوط رژیم و پیروزی انقلاب در ابعاد سیاسی و نظامی
۲۷	فصل دوم: بررسی آثار و ادبیات انقلاب اسلامی ایران
۳۱	۱- متون روزنامه‌نگارانه توصیفی
۳۵	۲- رهیافت روانشناختی - توقعات فزاینده و انتظارات ناکام در اثر نوسانات اقتصادی
۳۸	۳- رهیافت کارکردگرایانه مبتنی بر توسعه ناموزون
۴۱	۴- رهیافت مبتنی بر منازعات سیاسی و بسیج منابع نیروها
۴۳	۵- انقلاب به عنوان یک پیشامد چند سببی
۴۵	۶- رهیافت مبتنی بر فرهنگ به عنوان جوهر و محرک انقلاب
۶۰	جمع بندی

۶۲	فصل سوم: ایدئولوژی، کارکرد و جایگاه آن در نظریه‌های انقلاب
۶۳	۱- مروری بر تعاریف مفهوم ایدئولوژی
۷۶	۲- کارکردهای ایدئولوژی
۸۱	۳- نقش و جایگاه ایدئولوژی در نظریه‌های انقلاب
۸۱	الف) مفهوم انقلاب
۸۶	ب) نظریه‌های روانشناختی انقلاب و نقش ایدئولوژی
۹۷	پ) نظریه‌های جامعه‌شناختی انقلاب و نقش ایدئولوژی
۱۰۷	ت) نظریه‌های سیاسی انقلاب و نقش ایدئولوژی
۱۲۲	۴- چهارچوب نظری و مدلی برای مطالعه
۱۲۸	فصل چهارم: تشیع، تاریخ سیاسی و برداشتهای سنتی از آموزه‌ها و نمادهای آن
۱۲۸	۱- مفهوم شیعه
۱۳۳	۲- مروری اجمالی بر تاریخ سیاسی شیعه
۱۳۸	۳- تشیع، روحانیت شیعه و سیاست در ایران
۱۴۸	۴- برداشتهای سنتی از آموزه‌ها و نمادهای اسلام شیعی
۱۴۸	الف) تقیه
۱۴۸	ب) نظریه غیبت
۱۴۹	پ) نظریه انتظار
۱۴۹	ت) برداشت از شخصیتها و وقایع در تاریخ شیعه
۱۵۱	ث) کنارگذاشتن تدریجی مفاهیم مربوط به اعتراض اجتماعی
۱۵۱	ج) پذیرش دوافکتوی نظریه سلطنت از سوی علمای شیعه
۱۵۳	فصل پنجم: عوامل مؤثر در برداشت مکتبی از تشیع و رواج و تسری آن
۱۵۴	قسمت نخست: تحول درونی تفکر اسلام شیعی در ایران
۱۵۵	۱- تغییر در مبانی تفکر اجتهادی با ظهور امام خمینی (ایدئولوگ و معمار انقلاب)
۱۷۰	۲- تغییر در مبانی تفکر اندیشمندان اسلامی و تعابیر آنها از مفاهیم شیعی
۱۷۰	الف) تقیه
۱۷۲	ب) نظریه غیبت

- ۱۷۲ پ (نظریه انتظار
- ۱۷۴ ت (برداشت از وقایع تاریخی و شخصیت‌های اسوه تشیع
- ۱۷۶ ث (محتوای اعتراض اجتماعی بخشیدن به مفاهیم
- ۱۷۷ ج (رد نظریه سلطنت؛ مشروعیت انقلاب
- ۱۷۷ ج (تأکید بر جهتگیری ضد استثماری اسلام
- ۱۷۸ قسمت دوم: تغییر در تشکلهای مذهبی و سازماندهی روحانیت
- ۱۷۹ ۱- شکل نوین و استقلال مالی حوزه‌های علمیه و پتانسیل حاصل از آن
۲- سازماندهی خاص روحانیت و وجود شبکه‌های ارتباطی نهادینه شده
(مساجد، مقبره‌ها، حسینیه‌ها، هیأت‌های مذهبی و سیاسی شدن آنها)
- ۱۸۲ قسمت سوم: تغییر در کمیت و کیفیت فعالیت‌های مذهبی
- ۱۸۶ ۱- رشد رادیکالیسم اسلامی
- ۱۸۶ الف (گروه‌های اسلامی متکی به بازار
- ۱۸۷ ب (گروه‌های اسلامی روشنفکری
- ۱۸۹ ۲- اسلام به زبان روز و فعالیت‌های مذهبی سیاسی شخصیت‌های اسلامی
- ۱۹۱ الف (دکتر شریعتی
- ۱۹۵ ب (استاد مطهری
- ۱۹۸ فصل ششم: عوامل مؤثر در هم‌زمانی شدن اسلام شیعی در فرآیند انقلاب
- ۱۹۹ قسمت نخست: افول ایدئولوژیهای رقیب
- ۱۹۹ ۱- تجدد و مدرنیسم
- ۲۰۴ ۲- سوسیالیسم
- ۲۰۸ ۳- ناسیونالیسم
- ۲۱۲ قسمت دوم: تشیع؛ ایدئولوژی در دسترس، مشروع و مقبول
- ۲۲۱ قسمت سوم: موفقیت در انجام مطلوب کارکردهای معمول ایدئولوژی در فرآیند انقلاب
- ۲۲۲ ۱- انتقال آگاهی سیاسی برای صف‌آرایی
- ۲۲۵ ۲- نقد ترتیبات اجتماعی موجود
- ۲۲۷ ۳- طرح مجموعه‌ای جدید از ارزشها
- ۲۲۸ ۴- طرح کلی جامعه مطلوب

۲۲۹	۵-ارائه برنامه‌های عملی
۲۳۲	۶-تأکید بر تعهد به اقدام و اعتماد به نفس
۲۳۲	۷-ایجاد روحیه فداکاری، ایثار، صبر و شکیبایی انقلابی
۲۳۳	۸-ساده سازی
۲۳۴	۹-ادعای صداقت و عقلانیت
۲۳۵	فصل هفتم: شرایط عینی مؤثر در پذیرش عمومی ایدئولوژی تشیع در فرآیند انقلاب
۲۳۵	قسمت نخست: شرایط اقتصادی - اجتماعی
۲۴۰	۱-نوسازی و اختلال‌های اجتماعی ناشی از آن
۲۴۷	۲-توزیع ناعادلانه ثروت و پیامدهای آن
۲۵۲	۳-جدایی دولت از طبقات اجتماعی
۲۶۰	قسمت دوم: شرایط سیاسی
۲۶۱	۱-ساختار استبدادی حکومت پادشاهی در ایران
۲۶۱	الف (تا عصر مشروطه
۲۶۷	ب (عصر مشروطه و پس از آن
۲۷۶	۲-فقدان مشارکت سیاسی و عدم رشد احزاب
۲۸۲	الف (ضعف نیروهای اجتماعی - سیاسی در ایران
۲۸۵	ب (احزاب سیاسی در ایران
۲۹۲	۳-آسیب‌پذیریهای حکومت پهلوی
۲۹۷	نتیجه‌گیری
۳۰۰	فهرست منابع
۳۰۰	۱-فارسی
۳۱۳	۲-انگلیسی

۱- طرح مسأله

یکی از مهمترین حوزه‌های تحقیقات در علوم اجتماعی، مطالعه انقلابهای سیاسی و اجتماعی است. گرچه در دهه‌های اخیر، ناآرامی‌های رخ داده در جهان سوم مطالعات در این زمینه را گسترش دادند، اما این انقلاب ایران بود که بستر بسیار مناسبی را برای انجام تحقیقات علمی، طرح و آزمون فرضیه‌ها، آزمون تجربی نظریه‌های موجود و ارائه نظریه‌های نوین فراهم ساخت.

وقوع انقلاب در ایران تحیر عموم ناظران را برانگیخت، گرچه "نیکی کدی" در یکی از مقالاتش می‌گوید:

پدیده انقلاب برای محققینی که روی تعامل مذهب و سیاست در ایران مطالعاتی داشتند تحیرآور نبوده است.^(۱)

لکن در نوشته‌ای دیگر، به مانند بسیاری از پژوهشگران، رخداد این حادثه را غیر منتظره دانسته می‌نویسد:

این انقلاب با الگوها و انتظارات مطلعین از اوضاع ایران سازگار نبود، زیرا تاکنون دیده نشده بود یک رهبر مذهبی، سردمدار پرشور و پرآوازه یک انقلاب علیه نظام سلطنتی شود که حاکمش مدعی حقانیت خود و صحت برنامه‌های اصلاحی‌اش و پیوندش با گذشته ملی سرزمین‌اش بود. براستی چگونه رژیمی مجهز به میلیاردها دلار تسلیحات نظامی و نیروهای مسلح، پلیس مخفی و آشکار که قاعدتاً همه آنها نیز آماده استفاده بودند در مواجهه با شورشیان

1- Nikki.R.Keddie, " Religion, Society and Revolution in Modern Iran",
Modern Iran: the Dialectics of Continuity and Change, edited by
M. E. Bonine and N.R.Keddie, (New York: State University of
New York Press, 1981), P.27.

متناوب و تظاهرات وسیع و همگانی و اعتصابات عمومی از پای درآمد؟^(۱)

در تحریک‌زدایی از این پدیده، تلاش‌هایی صورت گرفت تا با استفاده از مفاهیم موجود در مدل‌ها و نظریه‌های کلاسیک و نیز طرح مدل‌ها و نظریه‌های نوین، حادثه مزبور تبیین گردد. ما حاصل چنین تلاش‌هایی نگارش صدها کتاب و مقاله بود که عمدتاً در پی یافتن پاسخی برای این سؤال بودند که چرا انقلاب ایران در نیمه دوم دهه ۱۳۵۰ شمسی (اواخر دهه ۱۹۷۰ میلادی) در شرایطی به وقوع پیوست که آنچه به عنوان شروط لازم و بستر انقلاب در نظریه‌های قدیم و جدید مورد ملاحظه قرار گرفته‌اند در انقلاب ایران غایب بوده یا ضروری نیستند؟

حجم گسترده کارهای انجام شده، ادبیات وسیعی را به وجود آورد، به نحوی که هم‌اکنون می‌توان به ارزیابی آنها پرداخت و قدرت تبیینی نظریات مطرح شده را به چالش کشید.

با مروری بر این ادبیات می‌توان گفت وسعت و گستردگی مشارکت توده مردم در روند بسیج منجر به انقلاب ایران مورد اتفاق نظر عموم محققین بوده است. تا آخر سال ۱۹۷۸ میلادی (پائیز ۱۳۵۷ شمسی) کلیه بخش‌های جامعه شهری ایران در جهت مخالفت سازش‌ناپذیر علیه رژیم پهلوی گردهم آمدند و با مجموعه‌ای فوق‌العاده از تظاهرات توده‌ای شهری و اعتصابات عمومی که مدام در حال گسترش بودند، علیرغم سرکوب نظامی، بایک بسیج توده‌ای به نهضتی فراگیر علیه رژیم شاه جامعه عمل پوشاندند.^(۲)

در انقلاب ایران به استثناء عده معدودی که دارای وابستگی بسیار نزدیک به رژیم پهلوی بودند و منافع آنان بستگی به استمرار سلطنت داشت، سایر اقشار، طبقات و گروه‌های اجتماعی، اعم از کشاورزان، کارگران، اصناف، کارکنان دولت، دانشجویان و دانش‌آموزان همگی در یک حرکت متمرکز و با هدف، به پیام بسیج‌گران انقلاب پاسخ مثبت داده مخالفت خود را با رژیم اعلام داشتند.^(۳) بعد مردمی انقلاب تحت عنوان پاپیولار و پوپولیست (ملی، مورد توافق عمومی و توده‌ای) بودن انقلاب و دمکراتیک (مردمگرایانه) بودن آن مطرح شده است. طیف

۱- نیکی کدی، ریشه‌های انقلاب ایران، ترجمه عبدالرحیم گواهی (تهران: قلم، ۱۳۶۹)، ص ۱۵

2- Theda Skocpol, "Rentier State and Shia' Islam in the Iranian Revolution", *Theory and Society*, Vol.11 (May 1982), PP.265-67.

۳- منوچهر محمدی، تحلیلی بر انقلاب اسلامی (تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۲)، ص ص ۲ - ۱۴۱.

وسیع نیروهای اجتماعی حاضر در بسیج، گویای یک ائتلاف بین طبقاتی بود که اجازه می‌داد انقلاب را مردمی یا مردمگرایانه ارزیابی نمایند.

هم‌چنین، باتوجه به نمادها، سمبل‌ها و شعارهای بکاررفته در بسیج، رهبری و نقش روحانیون، روابط اجتماعی و ظهور دولتی که پس از انقلاب شکل گرفت، اسلامی بودن انقلاب پذیرفته شده است، هرچند برخی در آن تشکیک کرده و اسلامی شدن انقلاب را ماحصل عملکرد فراکسیون مسلط پس از پیروزی انقلاب دانسته‌اند.^(۱)

ایفای نقش قابل توجه اسلام شیعی در انقلاب ایران، توجه محققین را به اهمیت فرهنگ و ایدئولوژی و کارویژه‌های آنها در بسیج، وقوع انقلاب و ماهیت نظام‌های انقلابی جلب کرد، بطوریکه رهیافت تأکیدکننده بر اهمیت فرهنگ در انقلاب، جایگاه ویژه‌ای در میان سایر رهیافتهای بدست‌آورد. هم‌چنین در سال‌های اخیر تحقیقات نظری بر محور سؤال مجدد از نقش فرهنگ و ایدئولوژی بسیار فعال شده است.^(۲) از جمله بدنبال انتقادات وارد بر رهیافتهای ساختارگرایانه دولت محور، فرهنگ و ایدئولوژی در چنین تبیین‌هایی بدون آنکه نقش کلیدی بیابند، محلی از اعراب پیدا کردند. علاوه بر آن در رهیافتهای دیگر، قرائتهای روانشناسانه از فرهنگ ارائه گردید که در آنها تغییرات ادراکی و شناختی برای استفاده از فرصتهایی که شرایط ساختاری فراهم می‌کنند، ضروری تلقی می‌شوند و بالاخره در رهیافتی دیگر، فرهنگ و ایدئولوژی بدون آنکه به مثابه برنامه‌ای صرفاً سیاسی در نظر گرفته شوند، به‌عنوان موضوع منازعه مطمح نظر قرار می‌گیرند.^(۳)

۱- برای مثال رجوع کنید به:

- A. Ashraf and A. Banuazizi, "The State, Classes and Models of Mobilization in the Iranian Revolution ", *State, Culture and Society* . 1, (1979) .

- Val. Moghadam, " Populist Revolution and the Islamic State in Iran " in Terry Boswell, ed, *Revolution in the World System*, (Westport, cT : Green Wood Press, 1989) .

2- G. Burns, " Ideology, Culture, and Ambiguity : The Revolutionary Process in Iran ", *Theory and Society*, 25, (1996) .

۳- محمدهادی سمتی، " وضعیت کنونی حوزه مطالعات انقلاب"، متین، شماره اول

(زمستان ۷۷).

در این رساله، ضمن مفروض گرفتن بسیج گسترده در انقلاب ایران، فرهنگ و بطورخاص ایدئولوژی با کارویژه‌های زیر یکی از ارکان اصلی بسیج فرض می‌شوند:

ایدئولوژی نخست با ساده سازی پیچیدگیهای واقعیت، با ارائه تعبیری ساده و عامه فهم از دشواری‌های موجود و تأکید بر وجوه مشترک اعتراضات با اتخاذ داوریهایی گزینشی و ارزشی در پی تحریک احساسات افراد، به نکوهش وضع موجود می‌پردازد و سپس با تعیین اهداف غایی جنبش و وسایل دستیابی بدانها، تصویری نسبتاً مبهم از وضع مطلوب برای افزایش انگیزه تخیل پیروان و افزودن بر نیروی بسیج ترسیم می‌نماید و نهایتاً با عرضه تبیین نوینی از تاریخ به سود جنبش و با ایجاد کردن شرایط یوتوبی (آرمانی) و تأکید بر جنبه‌های مطرود و منفی وضع موجود، آن را منسوخ اعلام می‌نماید. ایدئولوژی چنانچه با اقبال عمومی روبرو شود توانائی بسیج همگانی می‌یابد که به معنای پیدایش جنبش اجتماعی است و در چنین جنبشی، ایدئولوژی به عنوان منبع تأمین کننده سمبل‌ها، شعارها، نمادها، ضمن تسهیل ارتباطات با ایجاد فرهنگی مشترک، تعبیر یکسان نسبت به امور مورد نظر در اذهان افراد ایجاد می‌کند و درگسترش جنبش و توفیق آن بسیار تأثیر می‌گذارد.^(۱)

انجام کارویژه‌های فوق در انقلاب ایران ضرورتاً نیازمند یک ایدئولوژی بسیج‌گرفته است. بنابراین با مفروضه‌های مذکور یعنی وجود بسیج در انقلاب ایران و نیاز آن به یک ایدئولوژی، آنچه نیازمند تبیین می‌باشد این است که چرا از میان ایدئولوژی‌های موجود، این مذهب تشیع بود که مکتبی و ایدئولوژیک شد و ضمن انجام کارویژه‌های مذکور با اقبال عمومی روبرو گردید و نسبت به سایر ایدئولوژی‌ها تفوق یافت. بنابراین، ما در پژوهش حاضر برآنیم که به پرسش اساسی زیر پاسخ دهیم:

چرا در بسیج مردمی منجر به انقلاب اسلامی ایران، اسلام شیعی (تشیع)

در وجه و قالب یک مکتب ظاهر و با اقبال عمومی روبرو شد و تبدیل به

ایدئولوژی مسلط و غالب گردید.

به عبارت دیگر، پژوهش حاضر تلاشی است در جهت رفع خلاء تبیینی از علت تفوق اسلام شیعی به عنوان ایدئولوژی مسلط بسیج مردمی در انقلاب اسلامی ایران تا بارف

کاستی‌های موجود در آثار، پرتو مناسبی بر تحقیقات در این زمینه بیفکند.

۲- فرضیه و متغیرها

فرضیه ما در پاسخ به پرسش مذکور این است که: تحولات و پتانسیل (استعداد بالقوه) درونی اسلام شیعی از یکسو و شرایط عینی جامعه از سوی دیگر، عوامل مؤثر در مکتبی شدن تشیع و تفوق آن به عنوان ایدئولوژی مسلط بسیج مردمی در انقلاب اسلامی ایران بوده‌اند.

منظور از تحولات و پتانسیل درونی اسلام شیعی وجود عواملی در داخل این مذهب است که اجازه می‌داد ارائه تفسیری مکتبی از آن ممکن شده زمینه‌های ایدئولوژیک شدنش فراهم گردد. به عبارت دیگر تشیع دارای دکترین‌ها و نظریه‌ها، آموزه‌ها، مفاهیم و نمادهایی بوده است که با ارائه قرائنهای رادیکال از آنها یا حداقل به حاشیه راندن قرائنهای معمول محافظه کارانه و به متن آوردن قرائنهای انقلابی، ایدئولوژیک شد. همچنین اقبال بدین قرائتی و زمینه‌های هژمونیک شدن آن به دلیل وجود عناصر زیر تسهیل گردید:

- اعتقادات شیعی در زمینه عدالت اجتماعی و امامت انسان صالح.
- سنت دیرینه تاریخی و تأثیر سیره و زندگی ائمه شیعه (بخصوص امام اول، سوم و دوازدهم) بر حیات روزمره جامعه ایران.
- تأثیر حوادثی چون شهادت امامان شیعه، بخصوص حادثه عاشورا و تکرار مستمر و تاریخی آن و نیز انجام مراسم عبادی عمومی (نماز جماعت، حج، اعیاد مذهبی، تشیع، ترحیم، عزاداری‌های مذهبی و ...) در شکل‌گیری احساسات و هویت جمعی و انسجام و همبستگی اجتماعی ایرانیان.
- توانایی بالقوه بازتفسیر یا تفسیر ایدئولوژیک در تشیع بدلیل وجود مفاهیمی مانند تقیه، شهادت، غیبت، انتظار، مهدویت، منجی‌گرایی و ...
- امکان انتقال تفسیر مکتبی به پیروان و تسهیل روند پذیرش آن به واسطه شکل‌گیری عامل اجتهاد در فرآیند پیروزی مکتب اصولیون بر اخباریون که بر تقلید از مجتهد حی و زنده تأکید دارد.
- امکان رواج تفسیرهای غیرحکومتی و ضد دولتی بدلیل وجود استقلال مالی حوزه‌های علمیه و پتانسیل حاصل از آن.

- تسری قرائت مزبور به دلیل وجود شبکه‌های ارتباطی گسترده و نهادینه شده مانند مساجد، مقبره‌ها، تکایا، حسینیه‌ها و هیأت‌های مذهبی و سیاسی شدن آنها.
- گسترده‌گی علمای شیعی در داخل و خارج از کشور و تعداد قابل توجه آنان و عدم امکان کنترل کامل و سرکوبشان از سوی دولت.
- نقش قابل توجه امام خمینی به عنوان ایدئولوگ و معمار انقلاب اسلامی در تبیین استراتژیها و تاکتیکهای اصلی مبارزه و تأثیر برخی شخصیت‌های مذهبی دیگر (شریعتی، مطهری، بازرگان و ...) .
- همچنین در روند هژمونیک شدن اسلام شیعی می‌بایست به مقبولیت و در دسترس بودن آن پرداخت که به همین دلیل اقبال به آن نیازی به پذیرش آیینی نو و کیشی جدید نداشت. مضافاً بر اینکه تشیع توانست به نحو مطلوبی کارکردهای معمول یک ایدئولوژی در روند بسیج منجر به انقلاب را انجام دهد.
- منظور از شرایط عینی نیز مجموعه عوامل بیرونی شامل شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است که در کنار عوامل درونی مذکور بر ایدئولوژیک شدن تشیع و اقبال عمومی بدان و تفوق یافتنش در بسیج مردمی تأثیر گذاشته‌اند. برخی از این عوامل که یا بسترهای بسیج ایدئولوژیک را فراهم کرده و یا به عنوان زمینه‌های آسیب‌پذیری دولت عمل نموده‌اند عبارتند از:
 - ماهیت دولت پهلوی و خط‌مشی‌های آن در عرصه‌های سیاسی و بخصوص فرهنگی که مخالفت اکثر علماء شیعه را برانگیخت .
 - شکست سیاست‌های نوسازی و تغییر در ادراکات از مدرنیزاسیون به پالایش اخلاقی برای جبران الیناسیون (از خود بیگانگی) فرهنگی .
 - شکست کوشش‌های رژیم در جایگزینی سمبل‌ها و نهادهای نوین و کسب مشروعیت در میان طبقه متوسط جدید .
 - از جادو رفتگی فرهنگی و پیدایش وضعیت انومیک (نابهنجار) در گذار از سنت به شبه مدرنیسم .
 - واکنش‌های مذهبی در برابر نوسازان سکولار (عرفی‌گرا) و عقلانیت غربی .
 - شکست ایدئولوژی‌های رقیب و تجربه ناموفق آلترناتیو (بدیل) های دیگر، شامل لیبرالیسم، مارکسیسم و ناسیونالیسم .
 - شکل‌گیری رهیافت انقلابیگری در روشنفکران دینی که به شکلی پارادوکسیکال (متناقض‌نما) در دفاع از مذهب، تحول درونی آن را طلب می‌کردند.
 - ساخت ضعیف دولت در کنار خودمختاری و استقلال بورکراسی (نظام اداری) آن از طبقات اجتماعی بدلائل مختلف .
 - وابستگی دولت به خارج و داشتن روابط نابرابر با قدرتهای خارجی .